



بنیاد فقهی و فکری امام خمینی

تحلیل نامه شماره (۱)

# تغییر نگرش گروه‌های بنیادگرا در جهان اسلام نسبت به جمهوری اسلامی

پژوهشگر: مصطفی کریم‌زاده



مدرسه‌شناس

## پیشینه

دخالت های قدرت های استعماری در منطقه به خصوص در سده اخیر واکنش های متفاوتی را برای مقابله با استثمار و استعمار در جان اسلام برانگیخت. در یک دسته بندی میتوان عمده ترین این جریان ها را گروه های سوسیالیستی، ناسیونالیسم و بنیادگرایی اسلامی در منطقه تقسیم بندی کرد. ناسیونالیسم با تکیه ساخت های اجتماعی انباشته و بنیادگرایی، با تکیه بر پیشینه غنی فکری خود هر کدام در تلاش بودند تا مدلی عملی برای ایجاد و اداره یک نظام سیاسی ارائه دهند. بر این اساس دیدگاه اسلام گرایان مطابق تعالیم اسلامی همگی دارای یک اصل محوری بود: **نفی طواغیت و برقرار کردن حکومت الله بر روی زمین**. گزاره ای که بعدها امام خمینی (ره) نیز در جهت تثبیت ایده مرکزی انقلاب اسلامی از آن بهره گیری فرمودند. سوازی از صورت بندی های متفاوت اسلام سیاسی که عمدتاً به علت روش شناسی متفاوت آنها و در نتیجه بر ساخت عوامل گوناگون اجتماعی بر ساخت شده بود؛ نگاه همه این گروه ها به همین امر مشترک موجب این شد که پیوندی خاص بین تمام این گروه ها در جهان اسلام شکل بگیرد. پیوندی که تا پیش از این بدین نحو در تاریخ سابقه نداشت.

## نسبت گروه‌های اسلام‌گرا با

### ایران انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، هم از جهت ابتدا بر تراث شیعی و هم بر اساس ویژگی‌های متمایز کننده‌ای که با خود به همراه داشت، دستگاه‌های محسباتی و معادلات آن روز در دنیا را به یک باره واژگون کرد. کما اینکه امروزه هم میبینیم موج سهمگینی که انقلاب اسلامی با خود ایجاد کرده بود، بعد از ۴۰ سال همچنان نیز جهان را به تلاطم وامی‌دارد. گروه‌های اسلام‌گرانیز به تبع واکنش‌های متعددی بنا بر ساخت سیاسی اجتماعی خود در نسبت با انقلاب اسلامی داشتند. واکنش‌هایی که افزون بر علل داخلی درون هر یک از این گروه‌ها، در دوره‌های متفاوت زمانی تا حدود زیادی هم متأثر از سیاست‌های ایران در قبال منطقه و جهان اسلام نیز بوده است. برخی از مهم‌ترین رویدادهایی که موجب تغییر رابطه این گروه‌ها با یکدیگر در سده اخیر شده به ترتیب عبارتند از: مسئله فلسطین، تقسیم هند و تشکیل جمهوری اسلامی پاکستان، جنگ شوروی و افغانستان، شکل‌گیری هسته‌های اولیه القاعده، انرژی هسته‌ای، جنگ ایران و عراق، حمله امریکا به عراق، بیداری اسلامی و بهار عربی، ظهور و سقوط داعش، جنگ قره باغ، و اخیراً شکل‌گیری دولت جولانی در سوریه. تبعاً شرح و بسط این وقایع و تأثیر آن بر گروه‌های اسلامی آنچنان که شایسته است، از این مقال خارج است اما به هر صورت، تأثیر قابل توجه برخی سیاست‌های منطقه‌ای در این دوران بر شکل‌گیری روابط میان گروه‌های اسلام‌گرا به وضوح مورد عنایت پژوهشگران قرار می‌گیرد.

## عوامل ایجاد فاصله میان

### گروه های اسلام گرا و ایران

هرچند برخی از این اختلافات به گسل های فکری گذشته باز میگردد، سیاست های ملی گرایانه یکی از شدید ترین ضربه های ممکن را به اعتماد متقابل میان گروه های اسلام گرا وارد کرده است. برای نمونه، شبهاتی که پیرامون مسئله هلال شیعوی در گروه های سنی مطرح شده بود، ضربه عمیقی را به اعتماد میان گروه های شیعه و سنی ایجاد میکرد. یکی از ریشه های این امر که موجب جدا شدن ایران از سایر نقاط جهان اسلام شده بود به تفکر «هویت شیعی به مثابه اختراع ایرانیان» باز میگردد که پیش از آن هم در میان برخی علمای اهل سنت تئوری پردازی شده بود. طبعاً دشمنان نیز از این فرصت بی نظیر سوء استفاده لازم را کرده و موجب اتهاماتی چون فرقه گرایی ایرانیان را تقویت میکرد. نمونه دیگر این سیاست ها تاکید بیش از اندازه به هویت ملی، بدون در نظر گرفتن اندماج ۱۴۰۰ ساله آن با هویت اسلامی بود که به تدریج به رسوخ این فکر منجر شد که ایران صرفاً به خاطر منافع ملی اش حضوری در منطقه دارد و مسائل اسلامی جز بهانه و پوششی برای اهداف ملی ایرانیان نیست. لازم به توجه است که این رویکرد در نتیجه عدم پشتیبانی ایران از برخی گروه های منطقه ای در برخی دوره ها تضعیف شد. همچنین سیاست های غلط دولت های نزدیک به ایران مثل سیاست های دولت عراق پس از حمله امریکا و سیاست های حافظ اسد در سرکوب کامل اخوان در سوریه نیز از مواردی بود که هرچند ربطی به سیاست های ایران نداشت اما بخاطر نزدیکی این دولت ها به ایران موجب ضربات سختی شد. مجموعه این اتفاقات به همراه دخالت های دولت های مستکبر به سوگیری شدیدی در جایگزینی الگوی ترکیه به جای ایران در معادلات منطقه ای داشت. در این فضا است که دشمن صهیونی هم با استفاده از چنین اتهاماتی به دنبال بازتعریف مبارزه میان اسلام و مستکبرین به اختلاف شیعه و سنی، و دعوای منافع ایران و سایر کشور منطقه است.

## فرصت های به وجود آمده در

## همگرا شدن گروه های اسلام گرای

## منطقه ای و ایران

در سالهای اخیر به ویژه به خاطر تلاش های بی بدیل شهید بزرگوار حاج قاسم سلیمانی فاصله گذشته بسیار اندک شده است به طوری که میتوان ادعا کرد که تمام اختلافات موجود در این مدت از میان رفته است. به ویژه پس از طوفان الاقصی و حمایت های ایران و اکنون با درگیری ایران و رژیم صهیونیستی فرصتی بی نظیر برای افزایش عمق استراتژیک ایران در جهان اسلامی در اینجا صرفاً برای نمونه چند مورد از اعلام حمایت های گروه های اسلام گرا از ایران را به مناسبت ذکر میکنیم:

• **اخوان المسلمین و مجمع علمای جهان اسلام:** نامه پر محبت مرشد عام اخوان المسلمین به رهبر معظم انقلاب اسلامی در توضیح موضع آنها گویای همه چیز است. موضعی که اخوان اتخاذ کرد، در یک جمله محکم، منسجم و امت گرایانه بود. بعلاوه پیشتر شاهد انتشار مصاحبه های محکم قره داغی و ریسونی، دو دبیر فعلی و سابق این مجمع علمای جهان اسلام بودیم که در

نوع خود موجب شکل‌گیری جریان‌های بزرگ در رسانه‌های اسلامی شد. لازم به ذکر است که جریان اخوان المسلمین دارای بدنه‌ای قوی و منسجم در بسیاری از کشورها از جمله اردن، فلسطین اشغالی و کشورهای حاشیه خلیج فارس می‌باشد. اما اشتراکات شدید ما با آنها بخاطر برخی سیاست‌های منطقه‌ای تا حدودی تحت الشعاع قرار گرفته بود.

● گروه‌های اسلام‌گرای افغانستان و پاکستان: در این حوزه می‌توان به موضع‌گیری رسمی امیر جماعت اسلامی پاکستان، مولانا فضل الرحمن، مفتی اعظم پاکستان، حمایت‌های برخی شاخه‌های طالبان افغانستان از ایران در صورت ورود امریکا به جنگ و... اشاره داشت. لازم به ذکر است بسیاری از این گروه‌ها طی این سالها به سیاست‌های عربستان نزدیک شده بودند.

● حمایت‌های دولتی و پارلمانی پاکستان: علیرغم تمایلات امنیتی ارتش پاکستان در جهت ارتباط با ایالات متحده، در یک هفته اخیر شاهد تصویب لایحه پارلمان پاکستان در دفاع و حمایت همه‌جانبه از ایران در تاریخ ۴ ژوئن بودیم. بعلاوه حمایت‌های متعدد رسمی و علنی اشخاص درجه اول در دولت پاکستان از جمله اظهارات متعدد خواجه آصف (وزیر دفاع پاکستان) و شهباز شریف (نخست‌وزیر) و سایر مقامات پاکستان از این موارد است. بعلاوه حضور اعضای تحریک انصاف بعنوان حزب اپوزیسیون در ۲۰ ژوئن نشانه وجود اجماع بی‌سابقه‌ای در حمایت از ایران است.

● مطبوعات پاکستان: در تاریخ ۱۶ ژوئن ۲۰۲۵، بیش از ۲۰ مقاله در روزنامه‌های مهمی چون *Pak Observer*، *Jang*، *Express*، *Dunya*، *Nawaiwaqt*، *Ausaf*، *Daily Times* و *Pakistan*، *Daily Times* و *News 92* به انتشار رسید که در آنها، ایران نماد عزت و اقتدار اسلامی و رژیم صهیونیستی عامل بحران‌سازی و تهدید جهانی معرفی شده است. این سطح از اجماع رسانه‌ای در پاکستان، نه تنها بیانگر همبستگی مردمی و نخبگانی با جمهوری اسلامی ایران است، بلکه پیام روشنی به قدرت‌های غربی است که افکار عمومی جهان اسلام دیگر حاضر به تحمل تجاوزگری صهیونیسم نیست. تمام این موارد به ویژه همکاری امریکا با هند در درگیری هند و پاکستان و نزدیک‌تر شدن چین به ایران هم در جلب حمایت آنها تأثیر گذار بود.

## نتیجه گیری

گروه های اسلام گرای سنی از قدرت و ظرفیت بی نظیری در سراسر جهان اسلام برخوردارند. بعلاوه نفوذ ریشه های اندیشه ای مشترک مانند سید قطب، مودودی، اقبال و... در بین جنبش های اسلامی و انقلاب اسلامی ظرفیت فوق العاده ای را برای اتخاذ سیاستی همگرا ایجاد کرده است. ظرفیت عظیمی که بخاطر برخی ملاحظات امنیتی ایران در منطقه موجب مطرود ماندن این جریانات شده و گاهی این گروه ها را به دامان گروه های رادیکال مثل داعش، یا گروه های سکولار مثل ترکیه می اندازد. از همین رو اتخاذ رویکردی مناسب در رویداد های اخیر، میتواند موجب تغییر این موازنه به سود انقلاب اسلامی شده و ظرفیت ویژه را جهت جلب قلوب مسلمانان و افزایش عمق راهبردی جمهوری اسلامی پدید آورد. در این راستا پیشنهاد میشود از موضعی عزتمندانه، با تاکید بر خط تحلیلی دفاع از ایران به مثابه دفاع از اسلام با عنایت به اندماج ۱۴۰۰ ساله اسلام ناب درون هویت ایرانی به بازسازی و تقویت ارتباطات ایران با گروه های مردمی و جنبش های اسلام گرا در منطقه با رویکرد اتحاد امت اسلامی در حذف مستکبرین از منطقه پرداخت. این رویکرد افزون بر فایده بلند مدت آن و کارکرد آن در تقریب امت اسلامی به افزایش هزینه های ماجرایی جوی غربی هادر جای جای جهان اسلام می انجامد.